

بازخوانی رویکرد علامه طباطبایی در اختلاف قرائات

طاهره عبداللهی^۱، رقیه یوسفی^۲

چکیده

قرائت قرآن کریم از جمله مباحث علوم قرآنی است که از آن به تناقض و تعارض قرائت‌ها نیز یاد می‌شود. مفسران در برخورد با اختلاف قرائات، یکی از روش‌های بسنده کردن به قرائت رایج، معتبر دانستن همه قرائات و یا نقد و گزینش قرائات را انتخاب می‌کنند. پژوهش حاضر با هدف بازخوانی دیدگاه علامه طباطبایی در اختلاف قرائات و شیوه تعامل وی با قرائات مختلف انجام شد. نتایج نشان داد که علامه با اعتقاد به عدم تواتر قرائات هفت‌گانه و با در نظر گرفتن معیارهای قرائت صحیح، روش نقد و گزینش قرائات را برگزیده است. ایشان در برخورد با قرائات مختلف برخی را رد و برخی را با ذکر دلائلی مانند مطابقت با سیاق آیه، مطابقت با قواعد ادبی و با توجه به مؤیدات روایی ترجیح داده و انتخاب می‌کند. **واژگان کلیدی:** علوم قرآن، تعارض قرائات، اختلاف قرائات، قرائات، قرائت قرآن.

۱. مقدمه

بحث قرائت و قراء یکی از مهمترین بحث‌های قرآنی است که ریشه آن به قدیمی‌ترین تالیفات دانشمندان قرآنی بازمی‌گردد و بر علمی بر پایه نقل، استوار است و می‌تواند زیرساخت آن مطرح شود. این بحث، معناساز و تفسیرساز است و از دیر باز مورد توجه دانشمندان علوم قرآن و مفسران بوده است. کتاب‌های مختلفی در بحث قرائات نگاشته شده است و این حرکت تا زمان

۲. دانش‌آموخته دکتری تفسیر تطبیقی، مدرس گروه علمی- تربیتی قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۱. مدرس گروه علمی- تربیتی قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه، قم، ایران.

معاصر چه به صورت تک‌نگاری یا در لابه لای مباحث علوم قرآن و نیز در مقدمه تفاسیر ادامه دارد. در مورد قرائات، قراء، حجیت قرائات، نقد و بررسی قرائات و وحدت و تعدد آنها پژوهش‌های مختلفی انجام شده است از جمله بررسی تواتر قرآن و قرائات از رقیه صادقی نیری و معصومه میرزاجانی، بررسی تواتر قرائات از منظر آیت‌الله فاضل لنکرانی نوشته محمدهادی یوسفی غروی و صادق یوسفی، بررسی حجیت قرائات از منظر آیت‌الله فاضل از محمد صادق یوسفی مقدم، طبقه‌بندی و تحلیل آرای فقیهان شیعه در حوزه اختلاف قرائات از علی اکبر صافی و محمد رضا ستوده‌نیا که هر یک با رویکردی خاصی همانند بررسی تواتر، حجیت و یا طبقه‌بندی آرا به این موضوع پرداخته است، اما آنچه در این عرصه کمتر به آن پرداخته شده است نقش تعدد قرائات در تفسیر قرآن است. از این رو بررسی مبنای علامه در زمینه قرائات، معیار ایشان در قبول قرائت و شیوه علامه در مواجهه با اختلاف قرائات از موضوعاتی است که جایگاه ویژه‌ای در تفسیر المیزان دارد. نوشتار حاضر بر آن است تا به بازخوانی دیدگاه علامه در زمینه تعدد قرائات و نقش آن در تفسیر قرآن بپردازد، اما قبل از ورود به بحث اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر المیزان لازم است، تواتر قرائات، معیار انتخاب قرائت صحیح و روش برخورد علامه با روایات اختلاف قرائت مورد بررسی قرار گیرد.

۲. تواتر قرائات

برخی از پژوهشگران شیعه و اهل سنت (ر.ک.، آیت‌الله خوئی، بی تا؛ آیت‌الله معرفت، ۱۳۸۸؛ زرکشی، ۱۴۱۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۴۶/۱؛ زرقانی، بی تا، ص ۴۲۸) در این مطلب اتفاق نظر دارند که راه ثابت شدن قرآن منحصر به تواتر است و میان متواتر بودن آیات قرآن با تواتر قرائت‌ها، کمترین ملازمه‌ای وجود ندارد و متواتر بودن قرآن دلیل بر تواتر قرائت‌ها نیست. عبارت علامه در المیزان و قرآن در اسلام نیز بیان می‌دارد که قرائات سبع را متواتر نمی‌داند و ارتباطی بین حدیث احرف سبعه و قرائات هفت‌گانه نمی‌بیند. وی راز روی آوردن مردم به قراء سبعه را فزونی راویان می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۵۳، ص ۲۱۴) علامه در مورد تواتر قرائات می‌نویسد: «جمهور علمای عامه قرائات

سبع را متواتر می‌دانند و حتی جماعتی روایت نبوی "نزل القرآن علی سبعة احرف" را به قرائات سبع تفسیر کرده‌اند». علامه ذیل همین کلام می‌گوید: «قرائات سبع مشهورند نه متواتر» (طباطبائی، ۱۳۵۳، ص ۲۱۳). وی هیچ یک از قرائات را متواتر نمی‌داند، ولی هر قرائتی که شرایط لازم را داشته باشد پذیرفته و در فرایند تفسیر استفاده می‌کند.

۳. معیار قبول قرائت

بزرگان فن قرائت، برای تشخیص قرائت صحیح و جدا کردن آن از قرائت غیر صحیح ضابطه‌ای را مشخص می‌کنند برای نمونه ابن الجزری، صحت سند، موافقت با قواعد عربی و موافقت با رسم الخط مصحف (جزری، ۱۴۲۲) را از شرایط صحت یک قرائت می‌دانند. علامه پس از آنکه تواتر قرائات را نمی‌پذیرد می‌نویسد: «قرائت قابل اعتماد آن است که سند روایتش صحیح و با قواعد عربیت موافق و با رسم خط مصحف مطابق باشد» (طباطبائی، ۱۳۵۳، ص ۲۱۵). البته ایشان موافقت قرائت با سیاق آیه را به عنوان یکی از دلایل ترجیح قرائت در تفسیر المیزان استفاده می‌کند (ر.ک.، انعام: ۷۴؛ انفال: ۱؛ شعراء: ۱۲-۱۳؛ نمل: ۶۲).

۴. شیوه مواجهه علامه طباطبائی با اختلاف قرائات

۴-۱. نقد قرائات نادرست

علامه در برخورد با برخی قرائت‌ها آنها را به نقد کشیده و رد می‌کند. ایشان ذیل آیه «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ؛ بار الها! روزی که (میزان عدل و) حساب به پا می‌شود (تو در آن روز سخت) بر من و والدین من و همه مؤمنان (از کرم) بیخشا» (ابراهیم: ۴۱)، روایت مرسلی را از تفسیر عیاشی از حریر از یکی از دو امام باقر یا صادق علیهما السلام ذکر می‌کند که آن جناب آیه را «رب اغفر لی و لوالدی» قرائت می‌کرد که مقصود از ولد، همان اسماعیل و اسحاق است (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲/۲۳۶). در مرسله دیگری از جابر از امام باقر علیه السلام نظیر این مطلب را روایت نموده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲/۲۳۶). حسن بن علی و أبوجعفر محمد بن علی و الزهیری و ابراهیم نخعی به صورت (والدی) و سعید بن جبیر (والدی) قرائت کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲/۴۴۸). علامه در نقد این

قرائت می‌فرماید: «ظاهر این دو روایت این است که چون پدر ابراهیم کافر بوده امام علیه السلام آیه را بدین صورت قرائت نموده است، ولی هر دو ضعیف است و چنان نیست که بشود به آنها اعتماد نمود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۸۰/۱۲).

همچنین در مورد قرائت کلمه (روحنا) در آیه شریفه: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا؛ و آن‌گاه که از همه خویشان‌ش به کنج تنهایی محتجب و پنهان گردید ما روح خود را (روح القدس که فرشته اعظم است) بر او فرستادیم و او در صورت بشری زیبا و راست اندام بر او ظاهر شد» (مریم: ۱۷) که عده‌ای آن را با تشدید (روحنا) قرائت کرده‌اند و آن را اسم فرشته‌ای می‌دانند که برای مریم مجسم شده و او غیر جبرئیل روح الامین بوده است. علامه با نادرست خواندن این قرائت معتقد است روحی که به سوی مریم فرستاده شده بود از جنس ملک و نوع سوم مخلوقات ذوی العقول بود که به صورت بشر ممتثل شد که همان جبرئیل بود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۶/۱۴).

۴-۲. ترجیح قرائت با ذکر دلیل

۴-۲-۱. تناسب با سیاق

واژه سیاق با اینکه در علوم تفسیر، اصول فقه و فقه کاربرد گسترده‌ای دارد، ولی کمتر به صورت روشن و دقیق تعریف شده است. از کسانی که این مفهوم را به صورت روشن تعریف کرده، آیت الله شهید صدر است. ایشان در تعریف سیاق گفته است: «سیاق عبارت است از: هرگونه دال و نشانه‌ای که با لفظی که فهم آن مقصود است همراه می‌باشد، خواه آن دال و نشانه لفظی باشد به گونه‌ای که آن دال لفظی با لفظ مورد نظر کلامی یکپارچه و مرتبط را تشکیل می‌دهند یا آن دال و نشانه حالی (غیر لفظی) باشد مانند موقعیت‌ها و شرایطی که کلام را در برگرفته و نسبت به موضوع مورد بحث نقش دلالت‌گری دارند» (صدر، بی تا، ۱/۱۰۸).

علامه از مفسرانی است که موارد زیادی برای فهم آیات از سیاق آیه کمک می‌گیرد. همچنین در بحث قرائات برای ترجیح یک قرائت از این روش استفاده کرده است برای نمونه در آیه «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتِمُ الْبُؤْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَرَزِلُوا

حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ؛ آیا گمان کرده‌اید که به بهشت داخل شوید بدون امتحاناتی که پیش از شما بر گذشته‌گان آمد؟ که بر آنان رنج و سختی‌ها رسید و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند تا آنگاه که رسول و گروندگان با او (از خدا مدد خواستند و) گفتند: بار خدایا! کی ما را یاری کنی؟ (در آن حال خطاب شد: بشارت دهد که) هان! همانا یاری خدا نزدیک است» (بقره: ۲۱۴) علامه در مورد فعل (يقول) می‌نویسد: «کلمه (يقول) به نصب لام خوانده شده و بنابراین قرائت جمله در معنای غایت و نتیجه است برای جملات قبل و بعضی مانند نافع» (دانی، ۱۴۳۰، ص ۸۰) آن را به ضمه لام خوانده‌اند. بنابراین، قرائت جمله نامبرده حکایت حال گذشته است و هرچند هر دو معنا صحیح است، ولی دومی با سیاق مناسب‌تر است برای اینکه اگر جمله نامبرده غایتی باشد که جمله (زلزلوا) را تعلیل کند آن طور که باید با سیاق مناسب نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵۹/۲).

در این آیه شریفه «قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعِيًّا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ خدا فرمود: چهار مرغ بگیر و گوشت آنها را به هم درآمیز نزد خود، آن گاه هر قسمتی را بر سر کوهی بگذار، سپس آن مرغان را بخوان، که به سوی تو شتابان پرواز کنند و بدان که خدا (بر همه چیز) توانا و داناست» (بقره: ۲۶۰)، کلمه صرهن را حمزه بضم صاد، قرائت کرده (دانی، ۱۴۳۰، ص ۸۰) که به معنی بریدن و یا متمایل کردن است و بقیه به کسر صاد قرائت کرده‌اند که به معنای شدن است. علامه می‌فرماید: «قرائن کلام دلالت دارد بر اینکه در اینجا معنای قطع کردن منظور است و چون با حرف الی متعدی شده، دلالت می‌کند بر اینکه متضمن معنای متمایل کردن نیز هست. در نتیجه معنای این کلمه چنین می‌شود: «مرغان را قطعه قطعه کن و به طرف خود متمایل ساز» و یا «آنها را نزد خود بیاور، در حالی که قطعه قطعه کرده باشی» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۷۴/۲).

در آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ؛ و اهل ایمان گویند: آیا اینان هستند که با جدیت و مبالغه بسیار به

خدا سوگند یاد می‌کردند که ما از شما هستیم؟! اعمالشان باطل گردید و سخت زیانکار شدند». (مأئده: ۵۳) کلمه یقول به ضم لام آمده، ولی ابو عمرو آن را به فتح لام قرائت کرده‌اند (دانی، ۱۴۳۰، ص ۹۹). علامه این قرائت را ترجیح داده و در بیان علت آن می‌فرماید: «در این صورت (بقول) عطف می‌باشد بر جمله یصبحوا و این قرائت بهتر است، چون با سیاق بهتر می‌سازد به دلیل اینکه ندامت افراد مورد بحث از اینکه چرا دوستی با دشمنان اسلام را در دل پنهان کردند و نیز گفتار مؤمنین که گفتند: «و یقول الذین آمنوا؛ همه سرزنش آن افراد است به عاقبت ننگینی که دوستی با کفار و مسارعتشان در میان یهود و نصارا برایشان بار آورد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۷۶/۵).

در تفسیر آیه «إِذْ قَالَ الْخَوَارِیُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْیَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ یاد آر هنگامی که حواریین گفتند: ای عیسی مریم، آیا خدای تو تواند که برای ما از آسمان مائده‌ای فرستد؟ عیسی در جواب گفت: اگر ایمان آورده‌اید از خدا بترسید» (مأئده: ۱۱۲) در مورد پرسشی که حواریون از حضرت عیسی می‌کنند، تفاسیر مختلفی ذکر شده است. از جمله برخی از مفسرین (ر.ک.، آلوسی، ۱۴۱۵، ۵۶/۴) بر این باورند که ایمان حواریون واقعی نبوده است. عده‌ای دیگر از مفسران (طوسی، بی تا، ۵۹/۴؛ طبرسی ۱۳۷۲، ۴۰۷/۳؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ۲۴۶/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۹۷/۲) معتقدند که مراد آیه غیر از آن چیزی است که از ظاهر استفاده می‌شود از این رو درصدد توجیه آن برآمده‌اند مانند اینکه «این در خواست قبل از تحکیم ایمانشان بوده یا اینکه استطاعت کنایه است از اقتضای مصلحت و وقوع اذن و رخصت و...». علامه با رد این نظریات به دلیل مخالفت آنها با سیاق آیات با توجه به اینکه ایمان حواریون خالص بوده و خدا به آنها الهام کرد که به من و رسولم ایمان بیاورید و به همین موهبت به عیسی منت نهاده می‌فرماید: «از همین جهت بوده که کسایی کلمه یستطیع را با تاء خوانده و کلمه ربك را هم به فتح باء قرائت کرده تا مفعول باشد برای فعل مقدر و تقدیر آیه- بنابراین، قرائت- چنین است: "هل تستطيع ان تسال ربك- آیا می‌توانی از پروردگارت خواهش کنی که... و چون معنا معلوم بوده، کلمه تسأل حذف شده و تستطیع به جای آن باقیمانده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۲۹/۶). موارد دیگر در این قرأت عبارتند از: انعام: ۷۴؛ انفال: ۱؛ شعرا: ۱۲-۱۳؛ نمل: ۶۲.

از عواملی که علامه در ترجیح یک قرائت به آن استناد می‌کند، مطابقت آن قرائت با قواعد زبان عربی است که موارد زیر شاهد این مطلب است:

اول) مطابقت با قواعد نحوی

در آیه شریفه «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ؛ و (یاد کن) آن گاه که خدا از پیغمبران (وامت هاشان) پیمان گرفت که چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم سپس بر شما (اهل کتاب) رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می‌داد به او ایمان آورده و یاری او کنید» (آل عمران: ۸۱) در مورد کلمه لما دو قرائت است: یکی قرائت مشهور که لام را به فتحه می‌خوانند، و یکی قرائت حمزه که آن را به کسره خوانده و لام را لام تعلیل و ما را موصوله گرفته است (دانی، ۱۴۳۰، ص ۸۹). علامه قرائت فتحه را ترجیح داده و در بیان علت می‌فرماید: «بنابراین قرائت که لام مفتوح و کلمه ما بدون تشدید باشد، قهرا ما موصوله خواهد بود و کلمه آیتکم که طبق قرائت نافع آتیناکم (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷۸۳/۲) هم قرائت شده صله آن است و ضمیری که باید از صله به موصول برگردد، حذف شده، چون جمله من کتاب و حکمة، می‌فهمانده که در اینجا ضمیری حذف شده و موصول مذکور مبتداء و خبرش جمله لتؤمنن به ... است و لام در کلمه لما ابتدائی و در کلمه لتؤمنن به لام قسم است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۳۳/۳).

دوم) مطابقت با قواعد صرفی

در آیه شریفه «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مَنكُمُ فَأِنِّي أَعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ؛ خدا گفت: من آن مائده را برای شما می‌فرستم، ولی هر که بعد از نزول مائده کافر شود وی را عذابی کنم که هیچ یک از جهانیان را چنان عذاب نکنم» (مائده: ۱۱۵) اهل مدینه و شام و هم چنین عاصم کلمه منزلها را با تشدید زاء خوانده‌اند و سایر قراء بدون تشدید قرائت کرده‌اند. (دانی، ۱۴۳۰، ص ۱۰۳) علامه با ترجیح قرائت غیر مشهور در توضیح آن می‌فرماید: «به نظر می‌رسد بدون تشدید با قواعد موافق تر باشد؛ زیرا کلمه انزال دلالت بر نزول دفعی دارد و مائده هم

دفعتا نازل شده نه به تدریج، به خلاف تنزیل که استعمال شایع آن در نزول تدریجی است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶/۲۳۶).

در آیه شریفه «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ» (هود: ۱۰۸) کلمه سعدوا طبق قرائت حفص و حمزه و کسایی به صیغه مجهول قرائت شده (دانی، ۱۴۳۰، ص ۱۲۶) و بقیه به صیغه معلوم قرائت کرده‌اند. علامه در ترجیح قرائت دوم می‌فرماید: «قرائت دومی بالغت سازگارتر است؛ زیرا ماده سعد در استعمالات معروف، لازم استعمال شده و واضح است که از فعل لازم صیغه مجهول ساخته نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۱/۳۴).

سوم) فصاحت

یکی دیگر از ملاک‌های علامه در ترجیح یک قرائت بر دیگری فصاحت آن قرائت است به عنوان نمونه ایشان ذیل آیه «قَالُوا أَزِجُّهُ وَآخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ» (شعراء: ۳۶-۳۷) می‌فرماید: «کلمه ارجه- به سکون «ها» بنا بر قرائت معروف- به معنای تأخیر و از ماده ارجاء است و منظورشان این بوده که موسی و برادرش را مهلت بده و درباره آنان به سیاست و شکنجه، عجله و شتاب مکن و بفرست ساحران را جمع‌کنند تا با سحر خود، علیه سحر موسی معارضه نمایند». کلمه ارجه طبق قرائت ابن ذکوان به کسر «ها» و طبق قرائت ابوعمره به صورت «ارجئه» با همزه و ضم «ها» قرائت شده (دانی، ۱۴۳۰، ص ۱۱۱) و این دو قرائت از قرائت معروف فصیح‌ترند، ولی به هر حال يك معنا می‌دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵/۲۷۴).

چهارم) مؤید روایی

از دیگر ملاک‌های علامه در ترجیح قرائت، استفاده از مؤید روایی است. برای مثال در آیه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٌّ فَاعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» و سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان، بگو: آن رنجی است (برای زنان) در آن حال از مباشرت آنان دوری کنید و با آنان نزدیکی نکنید تا آنکه پاک شوند، چون خود را پاک کردند از آنجا که خدا دستور داده به آنها نزدیک

شوید که همانا خدا آنان را که پیوسته به درگاهش توبه کنند و هم پاکیزگان دور از هر آلاینش را دوست می‌دارد» (بقره: ۲۲۲). کلمه حتی یطهرن را ابوبکر و حمزه و کسایی به صورت (یَطْهَرْنَ) که به معنای غسل کردن می‌باشد و بقیه بدون تشدید قرائت کرده‌اند (دانی، ۱۴۳۰، ص ۸۰) که منظور از این طهارت پاکی از حیض است.

علامه در تأیید قرائت دوم روایتی را از کتاب کافی با این مضمون نقل می‌کند که «از امام صادق علیه السلام پرسیدند، زنی که در آخرین روز عادت خون حیضش قطع شده چه حکمی دارد؟ فرمود: اگر همسرش دچار طغیان شهوت شود باید دستورش دهد محل خون را بشوید، آنگاه اگر خواست می‌تواند قبل از غسل با او نزدیکی کند» و در روایتی دیگر آمده که اضافه فرمود: «ولی غسل کردن بهتر است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۳۹). علامه از این روایات در تأیید قرائت مختار استفاده کرده و می‌فرماید: «این روایات قرائت آیه را به صورت «یطهرن» بدون تشدید تأیید می‌کند، چون به طوری که گفته‌اند کلمه نامبرده به معنای قطع جریان خون زنان است به خلاف «یتطهرن» با تشدید «ها» که به معنای قبول طهارت است که در آن معنای اختیار خوابیده و در نتیجه با غسل کردن که يك عمل اختیاری است مناسب است به خلاف قطع جریان خون که به اختیار زن نیست» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲/۲۱۶).

۵. ترجیح قرائت بدون ذکر دلیل

در برخی موارد باتوجه به ترجمه آیه می‌توان قرائت ترجیحی علامه را تشخیص داد بدون اینکه ایشان به علت ترجیح این قرائت که در برخی موارد، قرائت شاذی است، اشاره کرده باشد برای مثال در آیه «فَإِذَا أَحْصَنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ» (نساء: ۲۵) کلمه «احصن» طبق قرائت مشهور به ضمه همزه قرائت شده تا صیغه مجهول باشد و طبق قرائت ابوبکر و حمزه و کسایی (دانی، ۱۴۳۰، ۹۵) به فتحه همزه خوانده شده تا صیغه معلوم باشد. علامه در تفسیر این کلمه می‌فرماید: «بنا بر قرائت اول معنایش این می‌شود که (هرگاه کنیزان به

وسیله شوهران حفظ شوند) و بنا بر قرائت دوم چنین می‌شود: «هرگاه کنیزان با اسلام آوردن خود را حفظ کنند» و این قرائت دوم بهتر است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۸۷/۴).

مراد از کلمات خدا در آیه شریفه «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ» (انفال: ۷) قضا و قدری است که خدا رانده تا تا انبیای خود را یاری نموده و دین خود را ظاهر سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹/۹). علامه می‌فرماید: «قرائت «بکلمته» موجه‌تر و به عقل نزدیک‌تر است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹/۹). البته با جست‌وجویی که در کتاب‌های اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر الدمیاطی والنشر فی القراءات العشرین الجززی صورت گرفت این قرائت جزء هیچ کدام از قرائات هفت‌گانه، ده‌گانه و چهارده‌گانه نبود. موارد دیگر در آیات ۵۳ و ۶۷ سوره مؤمنون است.

۶. بیان قرائت بدون ترجیح

علامه ذیل برخی آیات متعرض اختلاف قرائات می‌شود، اما بدون ترجیح هیچ کدام از قرائت‌ها طبق هر دو قرائت آیه را معنی می‌کند و از کنار آن می‌گذرد که علت این مسئله در برخی موارد یکسان بودن معنی طبق هر دو قرائت می‌باشد.

در آیه شریفه «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» پس اگر ترک ربا نکردید آگاه باشید که به جنگ خدا و رسول او برخاسته‌اید و اگر از این کار پشیمان گشتید اصل مال شما برای شماست که در این صورت به کسی ستم نکرده‌اید و از کسی ستم نکشیده‌اید». (بقره: ۲۷۹) علامه در توضیح کلمه «فَأْذَنُوا» می‌نویسد: «کلمه «اذن» بر وزن کلمه علم است و هم‌معنای آن را می‌دهد. بعضی از قاریان مانند ابوبکر و حمزه آیه را به صورت «فَأْذَنُوا» که صیغه امر از مصدر «ایذان» است قرائت کرده‌اند که بنابراین، معنا چنین می‌شود: پس اعلان جنگ با خدا و رسول بدهید. و حرف باء در جمله «بحرب» برای این آمده که کلمه «فَأْذَنُوا» و یا «فَأْذَنُوا» متضمن معنای یقین و مانند آن است و معنای آیه چنین است: اگر دست از رباخواری بر نمی‌دارید پس یقین بدانید که اعلان جنگ داده‌اید» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴۲۲/۲).

در آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ». (بقره: ۲۸۳) کلمه «رهان» را ابن کثیر و ابوعمره به صورت رُهْن (به ضمه راء و ضمه هاء) قرائت کرده‌اند. علامه طبق هر دو قرائت آن را به مالی که به گرو گیرند معنی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲/۴۳۴).

علامه ذیل آیه «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ و (یاد آرید) هنگامی که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم که جز خدای را نپرستید و نیکی کنید درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران، و به زبان خوش با مردم تکلم کنید». (بقره: ۸۳) می‌فرماید: «کلمه حسنا مصدر به معنای صفت است که به منظور مبالغه در کلام آمده و در بعضی قرائت‌ها «حسنا» به فتحه حاء و نیز فتحه سین خوانده شده است که قرائت حمزه و کسایی می‌باشد. بنابراین، قرائت، صفت مشبیه می‌شود و به هر حال معنای جمله این است که به مردم سخن حسن بگویید» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱/۲۱۸). موارد دیگر عبارتند از: مائده: ۱۰۷؛ یونس: ۲۳؛ هود: ۴۱. شاید بتوان گفت که علامه با این اقدام می‌خواهد دانش تفسیری مخاطب را افزایش داده و او را از جمود بر یک قرائت برهاند تا تصور نکند که تنها قرائت معتبر قرائت حفص از عاصم است و سایر قرائات مطرودند بلکه قرائات دیگر نیز از اعتبار کافی برخوردارند.

۷. بیان قرائت در تأیید دیدگاه تفسیری

علامه گاه در تأیید دیدگاه تفسیری خود به ذکر قرائات دیگر می‌پردازد که به برخی از نمونه‌های آن اشاره می‌شود. در آیه شریفه «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ؛ و به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذرّیه آنها را برگرفت و آنها را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم. همه گفتند: بلی، ما گواهی دهیم». برخی مفسرین گفتند: «مراد ظهور ارواح فرزندان آدم است در نشأه ذر و عالم روح و گواهی آنها به نور تجرد و شهود به توحید خدا و ربانیت او در عوالم ملک و ملکوت) (و ما این گواهی گرفتیم) که دیگر در روز قیامت نگویید: ما از

این واقعه غافل بودیم» (اعراف: ۱۷۲). فعل «ان تقولوا» را ابو عمرو «ان یقولوا» قرائت کرده است (دانی، ۱۴۳۰، ص ۱۱۴). طبق قرائت مشهور خطاب در این جمله به مخاطبین در جمله «ألسنت بریکم» و به همان کسانی است که گفتند: «بلی شهدنا» و به مقتضای این آیه، بشر در قیامت اشهاد و خطاب خدا و اعتراف خود را به معاینه می بیند و درک می کند، هرچند در دنیا از آن و از ما سوای معرفت غافل بوده آری، در روز قیامت که بساط بر چیده می شود و شواغلی که انسان را از اشهاد و خطاب خدا و اعتراف درونی خود غافل می ساخت از بین می رود و پرده هایی که میان بشر و پروردگارش حائل بود برچیده می شود، بشر به خود می آید و دوباره این حقایق را به مشاهده و معاینه درک می کند و آنچه را که میان او و پروردگارش گذشته بود به یاد می آورد. علامه می فرماید: «احتمال هم دارد که خطاب در آیه راجع به ما باشد که مخاطب به آیات قرآنی هستیم و بخواید بفرماید: ما این عمل را با شما گروه مخاطبین انجام دادیم تا فردای قیامت چنین و چنان نگوئید و لیکن احتمال اول به ذهن نزدیک تر است و قرائت «ان یقولوا» به لفظ غیبت - هم آن احتمال را تأیید می کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۸/۳۲۲).

در آیه ۱۷ سوره توبه «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ؛ مشرکان را نرسد که مساجد خدا را تعمیر کنند در صورتی که بر کفر خود گواهند. اینانند که اعمالشان نابود خواهد شد و در آتش دوزخ جاوید معدّب خواهند بود» کلمه «مساجد» طبق قرائت ابن کثیر و ابو عمر و یعقوب به صورت مفرد (دمیاطی، ۱۴۲۲، ص ۳۰۲) قرائت شده است. علامه با بیان اینکه مساجد خدا مطلق بناهایی هستند که برای عبادت خدا ساخته می شوند با توجه به سیاق آیه قرائت مفرد را ترجیح داده و می فرماید: «مقصود از آن عمارت، خصوص مسجد الحرام است، مؤید این معنا قرائت کسی است که جمله را (ان یعمروا مسجد الله) - به صیغه مفرد - خواند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹/۲۰۰). موارد دیگر عبارتند از: هود: ۴۶؛ نمل: ۸۲.

۸. نتیجه‌گیری

علامه طباطبایی از جمله مفسرانی است که با رویکرد نقد و بررسی به اختلاف قرائات می‌پردازد. وی قرائات سبع را متواتر نمی‌داند و بین حدیث احرف سبعة و قرائات هفت گانه ارتباطی نمی‌بیند. از این رو هر قرائتی که شرایط لازم مانند صحت سند روایت، موافقت با قواعد عربی و رسم الخط مصحف را داشته باشد، پذیرفته و در فرآیند تفسیر استفاده می‌کند. وی در مواجهه با اختلاف قرائات به چند شیوه عمل می‌کند:

- نقد قرائت نادرست: علامه در برخورد با برخی قرائت‌ها آنها را به نقد کشیده و رد می‌کند.
- ترجیح قرائت با ذکر دلیل: این دلایل عبارتند از: مطابقت با سیاق آیه، مطابقت با قواعد زبان عربی، مطابقت با قواعد نحوی، مطابقت با قواعد صرفی، فصاحت و داشتن مؤید روایی.
- ترجیح قرائت بدون ذکر دلیل: در برخی موارد با توجه به ترجمه آیه می‌توان قرائت ترجیحی علامه را تشخیص داد بدون اینکه ایشان به علت ترجیح این قرائت، اشاره کرده باشد.
- بیان قرائت بدون ترجیح قرائت: معمولاً به خاطر یکسان بودن معنی طبق هر دو قرائت می‌باشد.
- بیان قرائات در تأیید دیدگاه تفسیری خود.

فهرست منابع

* قرآن مجید

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. جزری، ابوالخیرمحمدبن محمد (۱۴۲۲). النشر فی القرائات العشر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخویی.
۴. دانی، ابوعمرعثمان بن سعید (۱۴۲۶). التیسیر فی القرائات. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. دمیاطی، احمدبن محمدبن عبد الغنی (بی‌تا). اتحاف الفضلاء البشر فی القرائات الأربعة عشر. لبنان: دارالکتب العلمیه.
۶. زرقانی، محمدعبد العظیم (بی‌تا). مناهل العرفان. بی‌جا: دار احیاء التراث العربی.
۷. زرکشی، محمدبن عبدالله (۱۴۱۰). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۳). قرآن در اسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۱. طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). کتاب التفسیر. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۳. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵). الصافی. تهران: انتشارات الصدر.
۱۴. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱). علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۱۷. میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عده الابرار. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

